

## گفت وگو با نوش آفرین انصاری، دبیر شورای کتاب کودک (بخش نخست)

شکوه حاجی نصرالله، ماندانا رضوی زاده

۱۹ بهمن ۱۴۰۱

### نقش و جایگاه ادبیات کودکان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نوش آفرین انصاری: ادبیات کودکان میراث بسیار مهم و ارزشمندی است که از گذشتگان به ما رسیده و چون میراث است و در طول زمان صیقل خورده، مجموعه‌ی بسیار گرانقدری محسوب می‌شود که باید به مطالعه و توسعه‌ی آن پرداخت.

شکوه حاجی نصرالله: خیلی خوشحالم که وارد شورای کتاب کودک شدم و نگاه نسبت به کودک تغییر کرد و فهمیدم کودک در هر جای جهان باشد، کودک است و کودکان باهم هیچ فرقی ندارند. در همه‌ی این سال‌ها سعی کرده‌ام فارغ از نگاه شخصی، برای کودکان کار کنم و آنها را دوست داشته باشم. به خاطر این تغییر نگاه، خود را مدیون شورای کتاب کودک می‌دانم. به نظر من، بهره گرفتن از ادبیات کودکان یکی از راه‌های ساختن زندگی بهتر برای آنهاست. حالا اینکه ادبیات کودکان کجا قرار گرفته؟ آیا توانسته با کودک امروز ارتباط برقرار کند؟ آیا کودکان در سراسر جهان از ادبیات جلو زده‌اند؟ پرسش‌هایی هستند که در این زمینه مطرح می‌شوند.

### مخاطب امروز ادبیات کودکان با نسل‌های گذشته چه تفاوت‌هایی دارد؟

انصاری: اختلاف بین نسل‌ها همیشه در طول تاریخ وجود داشته است. آنچه در دوره‌ی اخیر پیش آمده، سرعت گرفتن این تفاوت است. این سرعت خود باعث اختلاف شده است. ولی نیازهای پایه مثل نیاز به دوست داشتن، نیاز به اعتماد به نفس و مشترک اند، خیلی از آنها هیچ وقت در طول زمان تغییر نمی‌کنند و همیشه برای انسانه مطرح هستند. نکته‌ای که به نظر من می‌تواند راهگشا باشد، یافتن راه‌هایی است که پدیدآورندگان ادبیات کودک با کودکان بیشتر در ارتباط باشند. هم نظام آموزش و پرورش و هم کتابخانه‌های عمومی باید به این موضوع توجه داشته باشند، چون در کتابخانه‌های عمومی ظرفیت برگزاری نشست‌های گفت‌وگو محور وجود دارد. این ارتباط گفت و گو محور باید با تمام بدنه‌ی ادبیات کودک، یعنی: ناشر، ویراستار، تصویرگر و نویسنده برقرار شود. باید بررسی کنیم چه کارهایی کرده‌ایم تا این ارتباط ایجاد شود و نقش رسانه‌ها در این ارتباط چه بوده است؟

## نوجوانان این نسل با نوجوانان ۱۰ سال پیش چه تفاوت هایی دارند؟

انصاری: تغییر خیلی سریع و گسترده اتفاق افتاده است. اما در این تغییر، بحث محتوا مطرح است. متأسفانه امروز کودکان یک بازار تلقی می‌شوند و سودجویان از این بازار بسیار سوءاستفاده می‌کنند. ضرورت مشاوره و به شکل‌های مختلف در کنار نسل جوان و خانواده‌ها بودن، امروز بیشتر از همیشه مطرح است، به دلیل اینکه باید جامعه را آگاه کرد. من نمی‌گویم دستور بدهیم، ولی باید مخاطب را نسبت به تشخیص آنچه کیفیت مطلوب دارد و آنچه بدون کیفیت و فریبنده است، آگاه کرد. فریبندگی را چگونه می‌توان به محتوای انسان ساز و تاثیرگذار تبدیل کرد؟ حتما وجود عامل بزرگسال ضروری است. برای همین ما در شورا عقیده داریم که گروه‌های ترویج، کارشناسان، فهرست شورا، همه برای تشخیص سره از ناسره هدایت کننده هستند و این نقشی است که ما داریم.

حاجی نصرالله: موافقم که جامعه‌ی ما باید زمینه را برای برقراری ارتباط بین پدید آورنده و مخاطب فراهم کند و موانعی که وجود دارند برداشته شوند. اما نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که ما باید کودک امروز را به رسمیت بشناسیم. بینیم رویکرد جامعه شناختی نسبت به کودک چیست. این کودک با کودک گذشته فرق دارد. این کودک، عامل، یعنی مطالبه‌گر است، داناست و می‌داند چه می‌خواهد. حالا نقش ما در برابر این کودک و هجوم اطلاعات به او چیست؟ به نظرم هیچ فیلترینگی نمی‌تواند جلوی کودک را برای دسترسی به اطلاعات بگیرد. برای همین، فاصله‌ی کودک با بزرگسال کم شده است. مهم این است که کودک یاد بگیرد انتخابگر باشد و بتواند از میان دریای اطلاعات، آنچه را نیاز دارد، انتخاب کند. این موضوع فرمانی و دستوری نیست.

انصاری: من نگران تنهایی کودک در این اقیانوس اطلاعات هستم و فکر می‌کنم قطعا، تاکید می‌کنم قطعا نباید کودک را تنها گذاشت و گفت تو فرق داری و خیلی چیزها را می‌دانی. تجربه‌ی نسل‌های گذشته فوق‌العاده مهم است. برای همین، من همیشه فکر می‌کنم کودک را باید در میان نسل بزرگسالان هدایت کرد.

حاجی نصرالله: هدایتگری نه! تسهیلگری. انتخابی که ما در نظر داریم، حاوی یک نوع آگاهی است.

انصاری: چرا از واژه‌ی هدایت می‌ترسید؟

حاجی نصرالله: به خاطر اینکه به نظرم در هدایت، نصیحت وجود دارد و بچه‌ها اصلا این را نمی‌پذیرند.

انصاری: ما اصلا خواهان چنان هادی و هدایتی نیستیم. بحث، بحث دوستدار کودک و کودک دوستدار بزرگسال بودن است. باید به این نکته برسیم. کودک باید تکیه‌گاه داشته باشد و بداند که می‌تواند بدون اینکه تحت فشار باشد، پرسش کند. قبول دارم که کودک امروز آزادی می‌خواهد و ما هم باید به او کمک کنیم تا بهتر بفهمد و درک کند و بداند که آزادی بدون قید وجود ندارد. باید با معرفی کتاب‌های مناسب به او کمک کرد. نقش کتاب

بسیار مهم است. ما کودکانی می‌خواهیم که ذهنشان گسترده شود و در آن گستردگی جایگاه خود را کشف کنند. به محض اینکه خودمان وارد می‌شویم، متأسفانه جنبه‌ی تحمیل پیدا می‌کند.

حاجی نصرالله: منظور شما فقط کتاب است؟

انصاری: خیر. کتابی که بررسی شده، کتاب با کیفیت مطلوب، کتاب همراه با گفت و گو: من این طور فکر می‌کنم ولی تو خودت بخوان. نباید گفت: من این طور فکر می‌کنم، پس تو هم این طور فکر کن! یادتان باشد این بار مسئولیت سنگینی است که بر دوش کودک می‌گذاریم. در سیستم سنتی بچه‌ها نباید این قدر فکر، گفت‌وگو و انتخاب می‌کردند، اطاعت حرف اول را می‌زد، اما الان بحث مسئولیت نسبت به جامعه و خود فرد است. به نظرم با توجه به اینکه اطلاعات کودک گسترش پیدا کرده، باری هم که بر دوشش قرارداده‌ایم، سنگین‌تر و امکان دستیابی به اطلاعاتش هم بسیار بیشتر شده است.

حاجی نصرالله: نکته‌ی بسیار مهمی را مطرح کردید: مسئولیت. یعنی این کودکی که در مقابل ماست، کودک کنشگر است، کنش پذیر نیست. روشمند فکر کردن، انتخابگر بودن، همه‌ی اینها با مسئولیت پیش می‌آید. حالا منی که بررس هستم و دارم کتاب را بررسی می‌کنم، اگر ته ذهنم نگاه تعلیمی باشد، در انتخابم به این نکات توجه نمی‌کنم. ضعف جدی در بین ما بزرگسالان، در هر جایگاهی: معلم، نویسنده، تسهیلگر، بررس و... این است.

انصاری: اساساً کاشتن بذر شک در ذهن کودک و نوجوان خیلی خیلی مهم است. من برمی‌گردم به سال ۱۳۵۲، زمانی که کتاب «گذری در ادبیات کودکان» منتشر شد. من مقدمه‌ای برای چاپ جدید این کتاب نوشتم که اخیراً منتشر شد. استادانی مثل خانم میرهادی، خانم لیلی ایمن، خانم دولت آبادی، توران اشتیاقی و... وقتی سر کلاس‌های تربیت معلم می‌رفتند، انبوهی از کتاب‌های ادبیات با خود می‌بردند و معلم را کاملاً به ادبیات نزدیک می‌کردند. این نزدیکی هم به خاطر شخصیت‌های کاریزماتیک خود آنها بود و هم به خاطر کشش بی‌نظیر ادبیات. چنین معلمان و نظام فکری می‌توانند به کمک ما بیایند. گاهی فکر می‌کنم این حرف‌هایی که ما در حوزه‌ی بزرگسال و در نظامی که هنوز تحکم در آن برقرار است، می‌زنیم یک دوگانگی شدید به وجود می‌آورد. مرکزی را می‌شناسم که کتاب خیلی خوب و برگزیده‌ای به کودک داده و کودک این کتاب را به خانه برده بود. در این کتاب بحث «دیگری» مطرح شده بود. مادر او آشفته به آن مرکز رفته و گفته بود: شما حق ندارید این نوع نگاه را به کودک من بیاموزید، نگاه من درست است. من به عنوان کتابدار اعتقاد دارم باید کتابخانه‌ها را بیشتر تجهیز کنیم، این دیدگاه‌ها را در کتاب‌ها بگذاریم و فضای گفت‌وگو بر سر کتاب‌ها را با خانواده‌ها بیشتر فراهم کنیم. نقش آنها در این میان فوق‌العاده مهم است.

حاجی نصرالله: دقیقا. ما در طرح «بامداد کتابخانه‌ها» وقتی برای معلمان و مدیران مدارس کلاس برگزار می‌کنیم، همیشه به آنها می‌گوییم کتابخوانی از خانواده‌ها شروع می‌شود. شما باید با خانواده ارتباط برقرار کنید و در مورد سودمندی کتابخواندن حرف بزنید. مهمترین مسئله این است که خانواده‌ها از مدارس پشتیبانی کنند.

## آیا کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند و به شکل‌های مختلف به دست کودک و نوجوان می‌رسند پاسخگوی پرسش‌ها و نیازهایش هستند؟

انصاری: کودک و نوجوان امروز می‌تواند خیلی سریع اطلاعات را از رسانه‌های مختلفی که در دسترس هستند، پیدا کند. نگاه میراثی و ماندگار انسان ساز در ادبیات کودکان و نوجوانان مطرح است. به طور کلی، پاسخ این سوال در وهله‌ی اول منفی است. قطعا این گنجینه‌ی جواجوی نیازهای کودک نیست و برای بر آوردن این نیازها باید برنامه ریزی شود. فرهنگ ایران جزء غنی‌ترین فرهنگ‌های جهان و زبان فارسی به لحاظ زبان شناسی یکی از مهمترین زبان‌های جهان است. وقتی به کتاب‌هایی که به گروه بررسی ادبیات کهن شورا می‌رسند، نگاه می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که ما اساسا در زمینه‌ی عرضه و معرفی ادبیات کهن‌مان به جهان و کودک امروز، موفق نبوده‌ایم. اصلا بحث تحمیل نیست. در ادبیات ما عشق مطرح است و این عشق برای همه‌ی نسل‌هاست. چنین جریانی نیاز به یک بستر مناسب دارد. باید سازمانی به وجود بیاید که آثار را از ادبیات کهن گزینش کند. باید تحولی در عصر حاضر، در عرصه‌ی تصویرگری حاصل شود. این تصویرگر که تصویر فیل مولانا را برای پنجاهمین بار می‌سازد و چاپ می‌شود، این در ادبیات کهن نامیراست. هر کدام از اینها باید با تصویرگری جدید منتشر شوند. متن ممکن است تغییر نکند ولی تصویر تغییر می‌کند. وقتی به چاپ این نوع آثار نگاه می‌کنیم، با یک وضعیت کمرنگ و پژمرده مواجه می‌شویم. یکی از نیازهای کودک امروز می‌تواند آشنایی با ادبیات کهن سرزمینش باشد که وقتی به هر دلیلی از اینجا رفت، همیشه به یاد بسپرد که ایرانی و متعلق به این سرزمین است. به همین یک نکته توجه کنیم و حرکتی انجام دهیم. باید بررسی کنیم واقعا در حوزه‌ی ادبیات کهن چه کرده‌ایم و ناشرانمان چه امکاناتی داشته‌اند. ما تصویرگران و بازنویسان برجسته‌ای داریم. ولی این داشته‌ها تبدیل به یک جریان پویا که پاسخ نیاز خواننده‌ی امروز را بدهد، نشده‌اند. این نوع آثار فقط برای کودک نیستند. وقتی اعضای یک خانواده، اثری کهن را روی میز در دست نوجوان خود می‌بینند، تحت تاثیر زیبایی آن اثر قرار می‌گیرند و معمولا پدران و مادران یادشان میفتد که آن را در گذشته خوانده‌اند و ارتباطشان با گذشته برقرار می‌شود.

حاجی نصرالله: من با شما موافقم که ادبیات امروز پاسخگوی به ویژه نوجوانان نیست. به همین دلیل ما در شورای کتاب کودک، گروه بررسی رمان بزرگسال برای نوجوان داریم و دوستان در این گروه بسیار زحمت می‌کشند و هر سال یک فهرست در مورد این گونه آماده می‌کنند.

انصاری: من اتفاق‌های بسیار خوبی را که در سال‌های اخیر افتاده، تحسین می‌کنم. یکی از آنها تولد رمان نوجوان در ایران است. در ۲۰ سال گذشته در این زمینه تحولات بسیاری ایجاد شده است. خوبی رمان نوجوان این است که مادر هم می‌تواند به همراه نوجوان آن را همخوانی کند. اصلاً درباره‌ی همین رمان‌هایی هم که داریم، چقدر صحبت می‌کنیم؟ چقدر تحلیل می‌کنیم؟ این اتفاق‌ها نمیفتند. در واقع، ادبیات کودک ایرانی متولی خردمند ندارد. در حرف خیلی چیزها می‌شود گفت ولی آن خردی که باید اتفاقی را رقم بزند، وجود ندارد. مثلاً به کارهای آقای شاه‌آبادی فکر می‌کنم که خیلی دوست دارم. این آثار وقتی وارد خانه‌ای می‌شوند، می‌توانند یک خوانش جمعی داشته باشند و محدودیتی وجود ندارد که فقط کودک آنها را بخواند.

حاجی نصرالله: ما این کار را در بامداد کتابخانه‌ها انجام می‌دهیم. در کارگاهی که داشتم، خواندن ادبیات را با رمان نوجوان شروع کردم، به ویژه برای زنان. برای اینکه ما رمان‌های نوجوان بسیار درخشانی داریم که نمی‌توانیم آنها را نادیده بگیریم. درست است که ادبیات کودک امروز پاسخگوی همه‌ی پرسش‌ها و نیازهای کودک نیست، ولی به نظر من ادبیات کودک ایران بسیار رشد کرده است.

انصاری: فراموش نکنیم وقتی این بحث‌ها را می‌کنیم و از نیمه‌ی خالی لیوان حرف می‌زنیم، در نیمه‌ی پر لیوان دستمان پر است.

**آیا ادبیات کودکان بعد از کرونا جوابگوی مطالبه‌گری کودکان در زمینه‌های مختلف مثل محیط زیست و. بوده است؟**

انصاری: متأسفانه من در مورد این جنبش‌ها خیلی مایوس هستم. آنها را بسیار ارج می‌گذارم و به نظرم بسیار مهم هستند. اخبار درباره‌ی محیط زیست (در زمینه‌های گوناگون آن) بسیار مهم و تکان دهنده هستند. اگر آگاهی در باره‌ی آنها به ادبیات کودکان راه پیدا کند که حتماً هم راه پیدا کرده است، باید تغییر ایجاد کند، ولی من بیشتر احساس می‌کنم اینها در حد یک فریاد باقی مانده‌اند. سرمایه‌داری و سیاست‌های جهانی امروز واقعا اجازه‌ی تغییرهای بنیادین را نمی‌دهند. ما باید خیلی کار کنیم، برای اینکه جامعه چنان رشد کند و توانمند شود که حرف اول را بزند و در یک جایی مثل اجلاس داووس، نهادهای مدنی حضور پیدا کنند، نه سیاستمداران و

سرمایه‌داران. من همیشه فکر می‌کنم این یک امید است، یک امید زیبا. قطعاً آگاهی‌های ما خیلی بیشتر شده‌اند و بازتاب آن در آثار ادبیات کودک و نوجوان هم دیده می‌شود، ولی اینکه واقعا تاثیر بگذارند، نمی‌دانم.

حاجی نصرالله: این مطلبی که اشاره کردید، واقعا من را تحت تاثیر قرار داد: یک امید زیبا و یک یاس. قدرتی وجود دارد که نمی‌گذارد این اتفاق‌ها رخ دهند و ما در یک صدف کوچولو که قلب‌ها و آرزوها یمان است، با همه وجود داریم برای آسیب‌پذیرترین موجود یعنی کودک تلاش می‌کنیم. فرقی نمی‌کند این کودک ترک باشد یا سوریه‌ای.

انصاری: همین که در غم دیگران شریک باشیم، خیلی مهم است. خیال نکنید که این همدردی در همه جای دنیا وجود دارد. جاهایی هستند که به صورت جزیره‌ای زندگی می‌کنند و افرادی هستند که اصلا قلبشان در برابر این اتفاق‌ها نمی‌تپد و اشکشان جاری نمی‌شود. به هر حال این نوع دوستی، دوستی با پرندگان و درختان و انسان‌ها، هرچقدر در ادبیات کودکان بازتاب داشته باشد، خوب است، ولی مثل یک آرمان زیباست. به هر حال این آرمان‌ها هستند که زمانی به تحقق می‌رسند. ولی فعلا به نظرم سلطه‌ی ثروتمندان خیلی خیلی شدید است. نقش ادبیات در ایجاد شک در این مورد بسیار اهمیت دارد. ممکن است خیلی از فرزندانشان ما که کتاب‌هایی می‌خوانند عمیقا تحت تاثیر قرار بگیرند، همان طور که ما تحت تاثیر قرار گرفتیم.

حاجی نصرالله: گاهی فکر می‌کنم رهاورد این خواندن‌ها و آگاهی‌ها برای کودکان رنج است.

انصاری: رنج نیست. البته خانم میرهادی عقیده داشتند که نباید کتاب‌های خیلی دردناک به کودکان داد. ادبیات به هم می‌ریزد، می‌سازد، امید به وجود می‌آورد، حقیقت را بیان می‌کند، ولی اینکه رویای ادبیات بتواند به حقیقت بپیوندد، بحث دیگری است. در واقع، ادبیات مخاطب را آماده می‌کند تا به سوی آن رویا حرکت کند و انقلاب‌ها و جنبش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی به وجود بیاورد.

حاجی نصرالله: زمانی برای روز جهانی جوان در شورای کتاب کودک کتابشناسی با موضوع کنشگری آماده می‌کردیم. ما الان می‌دانیم که از نظر جامعه‌شناختی هم کودک امروز کودک کنشگر است. خیلی جست و جو کردیم و متوجه شدیم حتی در ادبیات کودک جهان، تعداد کتاب‌هایی که کودک یا نوجوان کنشگر داشته باشند، بسیار انگشت شمار است. در واقع، این کاستی در ادبیات کودک جهان نیز وجود دارد. اتفاق‌ها خیلی سریع رخ داده‌اند، یعنی جهان بسیار سریع تغییر کرده است و کودکان ما در سراسر جهان با این تغییر، تغییر کرده‌اند و کودک دیگری شده‌اند که در همه‌ی جهان با تعجب و شگفتی نگاهش می‌کنند.

انصاری: دلیلش این است که واقعیت باید ابتدا در ذهن نویسنده‌ی بزرگسال هضم و بعد اثر خلق شود. می‌گویند خلق کتاب «جنگ و صلح» اثر تولستوی هفتاد سال طول کشید. هضم مسئله و تولید ادبی زمان می‌برد. به

همین دلیل است که می‌گویند ادبیات کودک از کودکان عقب افتاده است و این قابل پیش بینی و قبول است. باید دنبال این موارد باشیم، ببینیم در کجاها شروع شده و به چه شکل انعکاس پیدا کرده و در ایران چگونه است.

حاجی نصرالله: ما در آثار نویسندگان جوان در ایران این موضوع را می‌بینیم. این آثار نمی‌خواهند قضاوت کنند، نمی‌خواهند مسئله حل کنند، بلکه طرح مسئله می‌کنند و در واقع چون خود پدید آورنده به کودک و نوجوان نزدیک است، او را بهتر می‌شناسد و آن کودک عامل را می‌بیند. البته در ادبیات ناب چه تالیف چه ترجمه، کودک به همین شکل تصویر شده است. مثلاً ما آن کودک را در کتاب «هستی» آقای فرهاد حسن زاده یا کتاب «عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی» آقای خانیان می‌بینیم.

انصاری: شما به این نکته که کودک امروز کنشگر است، با قاطعیت اشاره می‌کنید. من برمی‌گردم به آن صحبت خانم میرهادی در توکیو: نظام آموزش و پرورش ما مثل بیشتر جاهای دنیا کودک مطیع تربیت می‌کند. برای همین خیلی باور ندارم آن جمعیت کثیری که در ذهن دارید، واقعا به مرحله‌ی کنشگری رسیده باشند. فکر می‌کنم کودکان بسیاری از کشورهای جهان برای اطاعت تربیت می‌شوند و این نگاه شما نسبت به کنشگری هم یک نگاه آرمانی است، یعنی هنوز تحقق پیدا نکرده است. البته نشانه‌هایش را می‌شود دید و دیده هم شده، ولی نشانه است هنوز. کسانی که جلوی این حس را در کودک و نوجوان می‌گیرند، اول خود نظام آموزشی و دوم والدین هستند. والدین نسبت به این تغییر مقاومت زیادی نشان می‌دهند. امیدوارم والدین تغییر کنند. البته والدین بسیاری را می‌شناسم که تغییر کرده‌اند و به دنبال شیوه‌های دیگری در آموزش هستند. تغییر در والدین است که در نظام آموزش و پرورش تغییر ایجاد می‌کند.